

متن پرسش

سلام علیکم استاد: سوالی که برای عوام مطرح می‌شود و نمی‌دانیم چطور پاسخگو باشیم اینست که چرا حضرت آقا راجع به تخلفات مسئولین اقدامی نمی‌کنند؟ چرا برشان نمی‌دارند؟ مملکت دارد نابود می‌شود چرا آقا بگیر و ببند راه نمی‌اندازند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مشکل مردم آن است که متوجهی جایگاه تاریخی پایدار انقلاب اسلامی نیستند نمی‌دانند که نباید برای آبادکردن دهی، شهری را خراب کرد. تفاوت انقلاب اسلامی و رهبر حکیم آن، با آل سعود در همین است که آل سعود با فرقه‌ای عمل‌کردن و گرفتار اکنون‌زدگی‌شدن کاری کرده است که به قول صاحب‌نظران اگر یک هفته آمریکا دستش را از پشت آن‌ها بردارد، آن‌ها سقوط خواهند کرد. آری! رهبری مدیریت‌های کلان خود را اعمال می‌کنند ولی بنا دارند دولت‌مردان خودشان راهی را که گشوده‌اند، طی کنند و مردم نیز به درجه‌ای از خودآگاهی برسند تا ببینند کدام جریان فکری برای ادامه‌ی انقلاب قابل اعتماد است. در هر حال باید مردم متوجه شوند انقلاب اسلامی کار بزرگی را به میان آورده است و رهبری هرگز از این باده‌ها نخواهند لرزید و یا هول نمی‌شوند که بخواهند اقداماتی عاجل انجام دهند. موفق باشید

بد نیست به مقاله‌ای که در همین رابطه، سایت خبری «مشرق» در امروز یعنی ۱۵ شهریور نوشته است؛ نظر کنید که می‌فرمایند:

توجه شود که بدتر از فساد، احساس فساد است. ورود مستقیم رهبری یعنی ناامیدی از نهادهای موجود و نتیجه این ناامیدی احساس فساد بیشتر است که فساد اکبر است.

به گزارش مشرق، یکی از سؤالاتی که امروزه ذهن برخی افراد را درگیر خود کرده این است که چرا **رهبرانقلاب رفتاری مانند امیرالمومنین (ع)** با ابن هرمة **محتکر بازار اهواز** ندارند؟

این سوال دو بخش دارد؛

بخش اول مربوط به استناد به یک نقل تاریخی است و بخش دوم نتیجه‌ای که ازین نقل تاریخی گرفته می‌شود.

یکم. اشکال فاحش علمی

درباره استناد به این نقل تاریخی و مواردی شبیه بدین یک اشتباه فاحش وجود دارد. در استناد به سیره اهل بیت ابتدا باید اصول و منطق ثابت بر رفتار معصوم را کشف کرد. در برخورد بخشی و سطحی با سیره نمی توان حکم کلی دریافت کرد. مثل اینکه در کنار رفتار قاطع حضرت با ابن هرمه، نفر دیگری پیدا شود و مماشات حضرت با شریح قاضی را ملاک تسامح با مفسدین قرار دهد.

ماجرای یک قاطعیت

از همین منظر اجتهادی، برخی معتقدند سبک رفتار امیرالمومنین با فساد را باید متناسب با جامعه ای دید که فساد در آن فراگیر است. لذا او برای مردم در همان ابتدا خط و نشان می کشد که از کابین همسران هم حرام را بیرون می کشم. خواص ولو خواص معنوی جامعه هم به خطا افتاده اند و سهم از بیت المال می طلبند. جامعه پر از فساد و در معرض رشد جدی و فراگیری فساد است. رفتارهای حضرت مقابله با این مرض اجتماعی است.

داستان اوشین و سلمان رشدی و

همین تحلیل امروز هم وارد است، مثل اینکه رفتارهای خاص امام و رهبری را فهرست کنیم و بخواهیم قاعده ثابت دریاوریم. مثلا اگر رهبری نامه می نویسد و درباره پرونده فلان معاون متخلف مدرسه تاکید ویژه می کند، آیا می توان یک قاعده برای همه موارد مشابه دانست که رهبری باید ورود کنند؟ خیر. رهبری احساس کردند به این مسائل کم توجهی شده است انگاه مستقیما ورود کردند. طبیعی است که باقی موارد مسیر طبیعی خودش را طی می کند. یا مثلا اگر امام خمینی درباره مصاحبه یک زن که الگوی خود را اوشین معرفی می کند آن موضع گیری شدیدالحن را اتخاذ می کند آیا می توانیم یک قاعده رفتاری بسازیم که همه جا باید همین تکرار شود؟ حکم امام درباره سلمان رشدی نیز از همین دست است.

اجتهاد فراتر از سیره

سیره اهل بیت یا داستانهای پراکنده ای که از شرح حال آنها می شنویم اگر با دقت های فقهاتی و حتا فلسفی و اجتهادی همراه نباشد ما را به خطا خواهد انداخت. مثل اینکه برخی می گویند چون در سیره امیرالمومنین موضوع تاکید بر حجاب پیدا نکردیم پس امروز هم حجاب نداریم. به این افراد بگوئید پس بستن کمر بند ایمنی را از کجا آوردید احتمالا سکوت کنند. چون قاعدتا برای کمر بند ایمنی هم در سیره چیزی پیدا نمی کنند.

دوم. و اما پرسش اصلی؛

چرا رهبری در مسئله فساد اقتصادی شخصا ورود نمی کنند؟

اولین نکته برمی گردد به نحوه شناخت متفاوت ما و رهبری از سطح فساد. رهبری را به عنوان یک

کارشناس مطلع در نظر بگیرید بعد بررسی کنید که چه میزان تحلیل ما از اوضاع شبیه رهبری انقلاب است.

برداشت متفاوت ما و آقا

این سوال مستلزم یک فرض غلط است که فساد دامنگیر و سیستمی است. رهبری چنین تحلیلی را از سطح فساد ندارند و بارها به صراحت گفتند که فساد در جامعه آنطور که بیان می شود گسترده نیست و اتفاقا کم است.

سبک هدایت رهبری

اما مساله مهمتری وجود دارد و آن سبک هدایت جامعه است. به چند دلیل نیازی نیست رهبری فراتر از نهادهای قانونی کشور به ماجرای فساد ورود کنند. چه بسا آسیب این ورود شخصی بیشتر باشد.

یکم. محکمت ذهنی رهبری

یکم. رفتار رهبری را باید با توجه به محکمت ذهنی ایشان تحلیل کرد. در دستگاه فکری رهبری، تثبیت سیستم نهادهای جمهوری اسلامی بر مبنای مردم سالاری، اولویت اول است. بر همین مبنا در هر شرایطی اول به تثبیت سیستم و نهادها توجه کرده اند و بعد کارکردشان. نمونه واضحش سال ۸۸ است که تحت هیچ توجیهی حاضر نشدند خارج از نهادهای قانونی عمل کنند. همین روزها نیز برخلاف برخی، تاکید دارند باید با همین دولت از مشکلات خارج شد. ورود مستقیم رهبری یعنی بهم زدن این ساختار منظم که قرارست در طوفان حوادث تثبیت شود.

دوم. مبارزه فراگیر

فارغ از اینکه حجم فساد کم یا زیادست، نیاز مردم اینست که احساس کنند مبارزه با فساد "فراگیر" است. این تصویر که همه نشسته اند و رهبری به تنهایی ضدفساد است، خودش یک فساد بزرگترست. این تصویر یعنی بغیر رهبری هیچ کس اراده مبارزه با فساد ندارد. واقعا چنین است؟ بنابراین رهبر باید تلاش کند دستگاه های کشور به این مقوله اهتمام کنند. لذا بهترست رئیس قوه قضاییه برای مقابله جدی تر با فساد نامه دهند و ایشان تایید کنند. یا دائم به دولت در این مقولات تذکر می دهند. به دستگاه قضائی می گویند مدل تبلیغاتی و اطلاع رسانی تان باید هنرمندانه باشد تا جامعه احساس مبارزه فراگیر داشته باشد.

سوم. فساد یا احساس بن بست

آنچه از فسادهای رایج مهمتر است چیست؟ فساد که همیشه وجود داشته است. مهم اینست که جامعه احساس می کند با این حجم فساد، با ابزارهای قانونی و ساختار موجود نمی توان کشور را اداره کرد. این فساد از هر فسادی مهمترست چون به ناامیدی مطلق می انجامد. براین اساس رهبری تلاش

می کند نشان دهد مبارزه با فساد در همین ساختار که برآمده از تصمیم خود مردم می باشد قابل کنترل است.

توجه شود که بدتر از فساد، احساس فساد است. ورود مستقیم رهبری یعنی ناامیدی از نهادهای موجود و نتیجه این ناامیدی احساس فساد بیشتر است که فساد اکبر است.